



سالگرد مرحوم

آیه الله کاشانی

سید مهدی کاشانی

بسم الله الرحمن الرحيم

بیست و سوم اسفند ماه مصادف بود با بیست و سومین سالروز رحلت عالم مجاهد مرحوم آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم کاشانی اعلی الله مقامه الشریف. پرداختن به سرگذشت مردی که عمری را در راه و با آرمان عظمت اسلام و نجات مسلمین، بلکه بشریت از چنگال قدرتهای جهانی صرف نمود، کار بس دشواری است. ولی در مجال کوتاهی که موجود است برای اینکه یاد و خاطره اش را گرمی داشته باشیم موضوعی را به اختصار مورد بحث قرار می دهیم.

عنصر رهبری در مبارزه ملتها علیه ظلم و بیداد یکی از اصیل ترین عوامل پیروزی ملتها است و شرایط زیادی را ایجاب می کند، بدیهی است که رهبری حرکتها و نهضت های مصلحانه و یژگیهای زیادی از جمله تقوی، ورع، استقامت، شجاعت و از این قبیل را نیاز دارد و در کنار همه آنها آنچه که نباید از نظر دور بماند بلکه وجودش در اكمال خصوصیات دیگر، اثری قطعی دارد و همه حرکت های اجتماعی اصیل چنین عنصری را با خود داشته است، مقام علمی رهبر است (۱) که وی را از قدرتی عظیم در تحلیل حوادث و جریانات و پیش بینی رویدادهای آتی برخوردار نموده و بالنتیجه می تواند ملت را مانند ناخدائی توانا و زبردست به ساحل نجات برساند و اثری جاویدان در سیر تاریخ داشته و از انحرافات و لغزشها در مقابل

(۱) انما ینحی الله من عیاده العلماء

توطئه‌ها حفظ نماید. بالعکس جریان‌هایی که نابودی و نوعاً فساد و انحراف آنها در پی بوده، بی‌بهرگی‌شان از عنصر علم مشهود و عیان می‌باشد. انقلاب اسلامی و رهبری امام و درکنار آن گروه‌ها شاهد خوب و زنده‌ای بر این مدعاست. انقلابات و نهضت‌های پیروز صد ساله اخیر، مثل نهضت تنباکو، انقلاب مشروطیت، انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق، نهضت نفت و بالأخره انقلاب اسلامی همگی علمائی را در رأس خویش داشته است.

مرحوم آیت الله کاشانی که تجربه انقلابات عراق در معیت بزرگانی همچون مرجع تقلید وقت: مرحوم آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی را به صحیفه تجارب خود افزوده بود به مدد قدرت فقهاتی و اجتهاد خویش توانست نهضت اسلامی و ضد استعماری ملت ایران (که یکی از دست آورده‌های ملی شدن صنعت نفت بود) را رهبری نماید.

برای اطلاع از موضع علمی آیت الله کاشانی می‌توان به کتاب «الذریعة الی تصانیف الشیعة» تألیف علامه بزرگ مرحوم شیخ آغا بزرگ تهرانی و نیز اعلام الشیعه ص ۷۵ جلد اول مراجعه کرد.

ما بعنوان نمونه، قسمتی از نامه‌هایی را که علمای بزرگ در توصیف مقام علمی و معنوی آیت الله کاشانی نوشته‌اند نقل می‌کنیم:

الف - آیت الله العظمی مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی در باره ایشان می‌نویسد:

«جناب مستطاب شریعتمدار عمدة العلماء والمجتهدین حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی دامت برکاته... بسیار حیف است مانند این وجود منزه محترم که همه همت و توجهشان مصروف ترویج دین و تأیید اسلام و مسلمین است الی آخر...»

ب - متن نامه مرحوم آیت الله العظمی شیخ فتح الله معروف به شیخ الشریعه اصفهانی:

«حضرت مستطاب عمدة العلماء والمجتهدین حامی الملة والدين حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید ابوالقاسم دامت برکاته که وجود مبارکش از برای مسلمین مفتنم و چشم ما و عموم اسلامیان به آن وجود محترم روشن است به تهران تشریف فرما می‌شوند. البته اخوان مؤمنین این نعمت عظمی و موهبت کبری را مفتنم شمرده لدی الورد و بعد از آن در پذیرائی و خدمتگزاری و تجلیل و احترام و اطاعت اوامر و نواهی آقای معزی علیه که تأیید شرع شریف و تقویت دین حنیف است ذره‌ای مسامحه نخواهند فرمود، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.»

ج - آیه الله العظمی مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی که از بزرگترین رجال علم و فضیلت و

نوابغ مجتهدین و از بزرگان فقه و اصول بوده‌اند در بیان رتبه و منزلت علمی ایشان می‌فرمایند:

«جناب عالم و فاضل کامل، دریای تقوا و ورع و پرچم دار هدایت، شکافنده دریای علوم و کلیددار گنجهای دقیق، سید بزرگوار و پایه محکم و پناهگاه عموم مردم و حجة الاسلام، مایه فخر اهل تحقیق و محور آسیای دقت، حمایت کننده حوزه مسلمین و جهاد کننده در حفظ احکام دین، ترویج کننده شریعت جدش سید المرسلین، خورشید عالم افروز و ماه عالم‌تاب، شریک ما در تحصیل و پشتیبان ما در تعظیم، رسیده به درجات صلاح و نائل شده به بلندترین مرتبه اجتهاد. سید حاکمی که حکمش نافذ است، جناب حاج سید ابوالقاسم مجتهد کاشانی که مستدام باد روزگار افاده و کرم او، از من اجازه خواست در روایت پس اجازه دادم او را که روایت کند از من آنچه را که صحیح است برای من از اخباری که نزد اصحاب رضوان الله علیهم عمل شده است و به تحقیق متصل است اجازه من به طریق های زیاد تا جناب مولانا حسین بن روح و از متأخرین تا استاد کل آقای آقا باقر بهبهانی که روشن کند خدا قبور ایشان را».

د- متن نامه مرحوم آیت الله العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی:

«عرض می‌شود حضرت مستطاب رکن الملة والدین عمدة المجتهدین حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا ابوالقاسم مجتهد کاشانی دامت برکاته الشریف که وجود شریفشان از برای مسلمین خیلی مفتمم است مدتی است به تهران تشریف آورده‌اند. محض اطلاع اخوان مؤمنین وفقهم الله تعالی لمراضیه، لازم شد تصدیق شود، آن وجود مسعود شریف از هر جهت شایسته و به صفات حمیده آراسته و در دیانت و درستکاری قلیل النظیر هستند. احکام شرعیه ایشان نافذ و مطاع و تسلیم حقوق شرعیه و سهم امام علیه السلام خدمتشان محتاج به استیذان نیست و تأیید دین مبین و تقویت شریعت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله الطاهرین می‌باشد البته اخوان مؤمنین و کافه متدینین وجود محترم آنجناب را مفتمم دانسته و در خدمت معظم له ذره‌ای مسامحه نخواهند نمود، انشاء الله تعالی. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

هـ- متن قسمتی از نامه مرحوم آیه الله العظمی حاج سید اسماعیل صدر:

«عرض می‌شود انشاء الله تعالی وجود شریف قرین صحت و سعادت و توفیقات است ضمناً از رزیه نازله و قضیه هائله یعنی وفات مرحوم آیت الله آقای حاج سید مصطفی کاشانی قدس سره که ثلثة عظیمه در اسلام بود مستحضر گشته رضا بقضائه و تسلیم لامره. هرچند آن وجود مقدس از دست رفت ولی بحمدالله چشم ما و کافه انام به وجود مبارک جناب

حجة الاسلام مجتهد الزمان آقای حاج میرزا ابوالقاسم دامت برکاته نجل اجل آن مرحوم روشن است. باید قدر این نعمت عظمی و موهبت کبری را همه کس بدانند... تا آخر نامه که توصیه در باره ایشان است».

این اسناد و نامه های متعدد دیگر که در توصیف مقام معنوی و رتبه علمی مرحوم آیت الله کاشانی نوشته شده است موقعیت علمی استثنائی ایشان را ثابت می کند، بطوریکه می توان گفت که در شأن کمتر کسی از علماء بزرگ که در دوران اخیر زیسته اند چنین تأییداتی از طرف مراجع بزرگ صادر شده است.

و باز به پشتوانه جمیع صلاحیت هائی که کسب کرده بود توانست از میان امواج توطئه شرق و غرب که توسط سرسپردگان آنان در داخل آفریده می شد به سلامت عبور کند و گرچه در آن مقطع با شکست ظاهری مواجه شده و منزوی شد ولی توانست به یک پیروزی عظیم تاریخی دست یافته و تداوم بخش مبارزات حق طلبانه ملت مسلمان ایران بوده و تجربیات ارزنده ای را تقدیم انقلاب شکوهمند اسلامی نماید.

اکنون که در آستانه تشکیل دومین دوره مجلس شورای اسلامی هستیم برای توجه بیشتر به نقش و اهمیت مجلس و ضرورت حفظ استقلال آن، نامه هائی را که مرحوم آیت الله کاشانی به مجلس شورای ملی و شخص نخست وزیر در مخالفت با لایحه اختیارات تقدیمی آقای نخست وزیر نوشته و برگ درخشان از تاریخ مبارزات ملت مسلمان ایران را تشکیل می دهد ذیلاً درج می نمائیم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

قال النبی (ص)

اغزوا تورثوا ابناء کم مجداً

در راه خدا بجهنگید تا مجد و عظمت و افتخار برای فرزندان
خود بیادگار گذارید.

(فروع کافی ج ۵ ص ۸)

بسم الله الرحمن الرحيم
مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

بحکم محکم قرآن مجید که بهترین رهنمای خلق جهان است و نعمت اسلام که به مرحمت حضرت باری تعالی بر جامعه بشریت جهان ارزانی گردیده و دستور متقن حضرت خیرالانام که امر و مقرر است بر ودایع و سپردهای مردم طریق امانت ملحوظ گردد و در جمیع حال و احوال همگی خدای را حاضر و ناظر دانسته و اجتناب از مناهای و خیانت نموده و طریق رستگاری را پیمائیم بر حسب وظیفه دیانتی خود و سمت ریاست مجلس شورای ملی که بنا به اصرار آقایان نمایندگان، عهده دار می باشم باید به اطلاع مجلس برسانم:

ملت ایران در اثر کوششهای فراوان و فداکاریهای بسیار و دادن تلفات بی شمار بر طبق قانون اساسی مورخ ۱۴ ذیقعد ۲۴ دارای حقوقی است که حفظ و صیانت آن به عهده نمایندگان محترم می باشد و آقایان هم به نگهداری آن با خدای خود طبق قسم نامه‌ئی که در اصل یازده قانون اساسی مندرج است عهد و پیمان بسته‌اند.

چون در اصل ۲۷ متمم قانون اساسی حق قانونگزاری بمعهده مجلس شورای ملی محول گردیده است و قوه قضائیه به محاکم شرعیه در شریعات و به محاکم عدلیه در عرفیات و اجرای قوانین در عهده هیئت دولت و قوه اجرائیه واگذار شده و در اصل ۲۸، قوای مزبور را برای همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل نموده است و تخلف از مواد مزبور که روح قانون اساسی و حکومت مشروطه می باشد تمکین در

از راه علاقه و صلاح اندیشی به آقای نخست وزیر هم توصیه می کنم راهی را که برای ریشه کن نمودن آثار استعمار و موفقیت در امر حیاتی نفت در پیش داریم و فقط با تمسک به حیل المتین خداوندی و حفظ سنن مشروطیت و قانون و رعایت حقوق عامه ملت ایران میسر است و اقدامات لازمه برای انجام و تصفیه موضوع نفت که مورد پشتیبانی و کمک کامل اینجانب و مجلس شورای ملی و ملت شرافتمند ایران است به هیچوجه ارتباطی با اختیارات غیرقانونی ندارد و بالعکس تخلف از قانون اساسی و تجاوز به حقوق مردم به مقاومت ملت ایران منتهی می گردد و ما را از راه جهاد بزرگی که علیه دول استعماری در پیش داریم باز می دارد.

بزرگی دولتها و قدرت آنها در احترام به قوانین است و همه باید در برابر عظمت آن زانو زده و فکر قانون شکنی را از خود بدور دارند و همواره در ادوار گذشته، خود ایشان هم مؤید این نظر و معترف به این رویه بوده اند.

باید با مردم بود تا در آغوش قدرت و توانائی و پشتیبانی آنها به نتیجه اصلی مبارزه علیه استعمار و نجات مملکت توفیق حاصل آید و مجبورم که به استحضار جناب ایشان برسانم تا موقعی که اینجانب وظیفه دار ریاست مجلس شورای ملی هستم اجازه طرح نظیر این لوائح را که مخالفت صریح با قانون اساسی ممکت دارد در مجلس جایز نمی دانم.

رئیس مجلس شورای ملی - سید الوالقاسم کاشانی

ضمناً مرحوم آیت الله کاشانی برای اتمام حجت نامه ای به عنوان شخص نخست وزیر می نویسند که برای مزید اطلاع ذیلاً درج می شود.

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر

البته نامه ای که اینجانب به مجلس شورای ملی فرستاده ام و در جلسه علنی قرائت گردید از نظر شخص جنابعالی گذشته است بنابر وظیفه دیانتی و ملی خود برای حفظ وحدت عموم مردم در نهضت بزرگی که بر ضد استعمار در پیش داریم از شما تقاضا دارم قطعاً از مطالبات غیرقانونی خود دایره گرفتن اختیارات خودداری نمائید تا در صنف ملیون مبارز شکافی ایجاد نشود و اگر واقعاً لایحه اختیارات خود را با موازین قانون اساسی موافق می دانید لزوماً توضیح دهید مطالبی را که در ادوار مختلف مجلس شورای ملی به نام قانون و آزادی و رعایت حقوق عامه (دوره پنجم، چهاردهم و شانزدهم) در طی نطقهای خود به مخالفت با تقاضاهای دولتهای وقت که فقط در قسمتی از شؤون مملکتی اختیار می خواستند و شما پافشاری و رد می نمودید و عین مذاکرات شما عموماً مضبوط است و محل انکار ندارد مبتنی بر چه اصل و منظوری بوده است، خود جنابعالی تصریح نموده اید که قانونگزاری قابل انتقال نیست خود شما گفته اید تفکیک قوا پایه و

اساس مشروطیت است، اختلاط قوای تقنینیه و قضائیه و اجرائیه بازگشت به حکومت دیکتاتوری است.

روزی که نماینده مجلس بودید با صدای بلند فریاد می‌زدید کسانی که می‌خواهند از قدرت غیر قانونی استفاده کنند یا نمایندگانی که کمک در تسلیم اختیارات قانونگزاری به یک فرد و یادولتی می‌نمایند به حقوق عامه خیانت کرده‌اند.

اگر فراموش نموده‌اید عین آنها را دستور داده‌ام که از ضبط مجلس خارج نموده و برای اطلاع خود جنابعالی و عامه ملت ایران منتشر نمایند.

آقای دکتر مصدق من و جنابعالی در راه موفقیت ملت ایران و نیل به آزادی طبقات محروم کشور و مبارزه بر علیه استعمار قدمهای بلندی برداشته ایم و از کمک ملت ایران در این راه پر افتخار برخوردار گردیده‌ایم، انصاف اجازه نمی‌دهد که در این جهاد بزرگ با آنها فداکاری که مردم ایران نموده‌اند به جای پاداش آنان، دست در حقوق و آزادی آنها نموده و قانون اساسی را که ضامن حیات و بقاء استقلال و ملیت آنهاست از اعتبار ببندیم.

شما مدعی هستید که از اختیارات، سوء استفاده نمی‌کنید ولی هستند کسانی که بعد از من و شما می‌آیند و از این قدرتهای غیر قانونی به ضرر جامعه ملت ایران و بر علیه مردم سوء استفاده خواهند نمود و آه و نفرین مردم ایران تا دامنه قیامت بر دامن شما خواهد بود. از امثال من و شما در چنین مرحله‌ای از عمر، زبینه نیست برخلاف

عهدی که با خدای خود و خلق خدا داریم رفتار نمائیم که موجب طعن و لعن آیندگان شویم.

من طبقات مختلف مردم را از کارگر و کشاورز و تاجر و پیشه‌ور و دانشجو و استاد و هنرپرور و رجال و زعماء و روحانیون به این حقایق مذکور شاهد و گواه می‌گیرم که در انجام وظیفه خود دقیقه‌ای مسامحه نکردم و امیدوارم که همگی برای سعادت ملت ایران به وظیفه و جدانی خود عمل نمایند.

تکیه گاه من خداوند بزرگ و حقیقت روح اسلام و تعالیم رسول اکرم صلوات الله علیه وآله که مشروطیت ایران نیز بر آن استوار می‌باشد «وامرهم شوری بینهم» از آن سرچشمه می‌گیرد.

من یقین دارم که شما نصایح بی‌آلایش مرا خواهید پذیرفت و اگر بازگشت ننمائید و قصد تجاوز به حقوق عامه را به کنار ننهید، روزی بر آن تأسف خواهید خورد که پشیمانی سودی نخواهد داشت. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سید ابوالقاسم کاشانی

قال الصادق (ع)

الجهاد افضل الاشياء بعد الفرائض

برترین کارها بعد از نمازهای یومیه جهاد در راه خداست.

(فروع کافی ج ۵ ص ۴)